

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مسئله پنجم از مسائل نیت عبارت است از: « النَّائِبُ عَنِ الْغَيْرِ لَا يَكْفِيهِ قَصْدُ الصَّوْمِ بَدُونَ نِيَّةِ النَّبِيَّاتِ وَإِنْ كَانَ مُتَحَدًّا ، نَعَمْ لَوْ عَلِمَ بِاشْتِغَالِ ذِمَّتِهِ بِصَوْمٍ وَلَا يَعْلَمُ أَنَّهُ لَهُ أَوْ نِيَابَةِ عَنِ الْغَيْرِ يَكْفِيهِ أَنْ يَقْصِدَ مَا فِي الذِّمَّةِ » .

همانطور که قبلاً عرض کردیم صوم انواعی دارد و تعیین هر نوعی نسبت به دیگری مترتب بر قصد و نیت انسان می باشد، کسی که می خواهد صوم نیابتی بجا بیاورد باید به عنوان نیابت از غیر بجا بیاورد یعنی باید در نیت و قصد خود معین کند که به نیابت از غیر بجا می آورد که در این صورت قصد و نیت او معین می کند صومی که می گیرد نوعی از انواع صوم می باشد ، پس نایب از غیر نمی تواند نیت مطلق صوم را بکند بلکه باید نیت نیابت داشته باشد، مثلاً بگوید روزه می گیرم با قصد نیابت از فلانی ، هر چند که آن صوم متحد باشد مثلاً از یک نوع خاصی باشد مثل اینکه فقط یک روز صوم نیابت داشته باشد باز هم باید معین کند چون اگر معین نکند تعین پیدا نمی کند و اگر تعین پیدا نکند مأمور به عملی نمی شود .

نعم کسی که می داند یک روز صوم در ذمه اش می باشد اما نمی داند که صوم خودش است یا اینکه آن یک روز صوم غیر است به عنوان نیابت ، در اینجا صاحب عروة می فرمایند که اگر یک صوم به قصد ما فی الذمه ایستیان کند کفایت می کند. در اینجا محشین من جمله حضرت امام علی علیه السلام مقامه فرموده اند که صحت صوم با نیت ما فی الذمه محل اشکال می باشد ، از دو جهت می توانیم بگوئیم که به مسئله اشکال وارد است، یکی اینکه اگر به قصد ما فی الذمه بجا بیاورد منصرف می شود به صوم خودش چون می داند که یک روز صوم در ذمه اش می باشد اما نمی داند که مال خودش است یا از طرف غیر است فلذا اگر این را مطلق بگذارد منصرف می شود به صوم خودش بنابراین کافی نمی باشد چون شخص نایب اشتغال یقینی دارد و می خواهد ذمه اش بر او شود و می داند که یک صوم در ذمه اش می باشد ولی نمی داند که مال خودش است یا اینکه نایب از غیر بوده که جامانده ، این یک جهت است و جهت دوم اینکه به خاطر نماز و روزه ای که شخص نایب می شود در ذمه او چیزی نیست بلکه در ذمه منوب عنه می باشد و شما را نایب گرفته اند که به قصد فراغ ذمه منوب عنه بجا بیاورید و شما فقط تکلیف دارید یعنی بر شما واجب است که روزه ای که در ذمه او می

باشد ایستیان کنید، فلذا در ذمه او می باشد نه در ذمه شما پس اگر شما قصد ما فی الذمه کنید منظورتان ذمه خودتان می باشد و حال آنکه در نیابت در ذمه شما چیزی نیست بلکه شما فقط مکلف هستید صومی را که در ذمه منوب عنه بوده ایستیان کنید، بنابراین در اینجا که حضرت امام فرموده اند محل اشکال است و وجه اشکال را ذکر نکرده اند ما از دو جهت اشکال ایشان را مطرح کردیم یعنی این دو جهت را احتمال دادیم.

(اشکال و پاسخ استاد) تنها در اموال و دیون است که ذمه به منوب عنه منتقل می شود، یعنی ما امامیه قائلیم که ضمان انتقال مال است از ذمه مضمون له به ذمه ضامن، اما در صوم نیابتی این طور نیست بلکه تنها شما مکلف شده اید که به عنوان نایب نماز یا صوم منوب عنه را بجا بیاورید و دیگر صلوة یا صومی که در ذمه منوب عنه می باشد به ذمه شما منتقل نمی شود، چرا که اگر نایب مثلاً نماز منوب عنه را بخواند و از دنیا رفت آن صلوة باز در ذمه منوب عنه باقی است نه شخص نایب. مسئله ششم را نمی خوانیم چون قبلاً درباره آن بحث کرده ایم ، اما مسئله هفتم این است: « إِذَا نَذَرَ صَوْمَ يَوْمٍ بَعِيْنَهُ لَا تَجْزِيهِ نِيَّةُ الصَّوْمِ بَدُونَ تَعْيِينِ أَنَّهُ لِلنَّذْرِ وَلَوْ إِجْمَالًا كَمَا مَرَّ ، وَ لَوْ نَوَى غَيْرَهُ فَإِنَّ كَانَ مَعَ الْغَفْلَةِ عَنِ النَّذْرِ صَحَّ وَ إِنْ كَانَ مَعَ الْعِلْمِ وَالْعَمْدِ فَفِي صِحَّتِهِ إِشْكَالٌ » .

شخصی در نذر معین نذر کرده که مثلاً فلان روز از ماه را روزه می گیرم، در اینجا لازم است که نذر را در قصد و نیت خودش تعیین کند. در اینجا بحث در نذر معین است نه نذر مطلق یعنی می خواهیم بدانیم که آیا نذر صوم یوم بعینه مثل صوم رمضان می شود یا نه؟ چون قبلاً گفتیم که در ماه رمضان همین که بگوید فردا را روزه می گیرم کافی است و دیگر نیت آن من رمضان لازم نیست چون صوم او قهراً انطباق دارد و کافی است .

تعیین یا ذاتی است یا عرضی ، در ماه رمضان تعیین ذاتی است چون شارع مقدس آن آیام را برای روزه معین کرده اما در نذر معین تعیین عرضی است چرا که خودش نذر کرده که مثلاً پنجشنبه را روزه می گیرم ، حالا باید بدانیم که آیا تعیین عرضی مثل تعیین ذاتی است از این جهت که در تعیین ذاتی قصد اینکه مثلاً من جهة نذر فلان و فلان ومن جهة آن من رمضان و... لازم نبوده. پانده؟ مرحوم نراقی در جلد ۱۰ از مستدرک الشیعه فرموده اند که فرقی نمی کند و تعیین عرضی مثل تعیین ذاتی می باشد فلذا لازم نیست که نذر را در قصد و نیت خودش تعیین کند بلکه همین قدر که فردا را که پنجشنبه است روزه بگیرد کافی است. صاحب عروة این را کافی نمی داند و قبلاً هم به این مطلب



چند که ممکن نباشد که به دو فعل در عرض هم امر کنند چون تکلیف محال است و در این صورت نمازش امر ندارد ولی ملاک و مصلحت که دارد فلذا همین ملاک و مصلحت کافی است در این که آن عمل صحیح باشد، پس قائلین به صحت علاوه بر ترتب از راه ملاک هم قائل به صحت هستند .

قائلین به عدم صحت می گویند که این شخص امر دارد به اینکه روز پنج شنبه را روزه بگیرد و امر به شیء مقتضی تهی از ضدش می باشد و روزه کفارہ ضد روزه نذر است پس نهی تعلق پیدا می کند به روزه کفارہ و نهی در عبادت هم موجب بطلان می شود. دلیل دیگر قائلین به بطلان این است که ترتب را صحیح نمی دانند مثل مرحوم آخوند که دلیل اقامه می کند بر عدم صحت ترتب همچنین قائلین به بطلان در مقابل قائلین به صحت می گویند که شما گفتید که با ملاک صحیح می شود، این ملاک را از کجا بدست می آورید؟ ما قائلیم که متعلقات او امر مصالحی دارند و متعلقات نواهی هم مفاسدی دارند، اما ما باید کشف کنیم و ما آنها را از امر کشف می کردیم ولی ما که در اینجا امر نداریم چون قائل به ترتب نیستیم فلذا شما از کجا می گوئید این صوم کفارہ که معارض با صوم نذری می باشد ملاک دارد، پس این هم دلائل قائلین به عدم صحت بود که بیان کردیم .

حالا به نظر شما کدام فرقه درست می گویند؟ اگر بگوئید از راه ترتب درست می شود، ما می گوئیم که ترتب دلیل است بر امکان دو امر به ترتیبی که گذشت در صورتی که ما وقوع آنها را می خواهیم ، یعنی ترتب می گوید که ممکن است که شارع بگوید که نجاست را ازاله کن و إن عضمت و بنیت علی العصیان فصلّ ، و آخوند در اینجا می گوید که تکلیف محال است نه تکلیف به محال یعنی طلب محال است ولی ترتیبی ها که ما هم ترتیبی هستیم می گویند که این طلب محال نیست بلکه ممکن است ولی همان طور که عرض کردیم امکان غیر از وقوع است و ما بحثمان در وقوع می باشد، به علاوه ملاک را نمی توانیم کشف کنیم یعنی در اینجا که صوم کفارہ با صوم نذر معارض است چگونه می توانیم بگوئیم که ملاک دارد که بعد بخواهیم با ملاک درست کنیم، پس درست کردنش مشکل است فلذا ما در عروءه در این قسمت حاشیه نداریم .

اما مسئله هشتم: « لو كان عليه قضاء رمضان السنة التي هو فيها و قضاء رمضان السنة الماضية لا يجب عليه تعيين أنه من أي منهما، بل يكفي نية الصوم قضاءً و كذا إذا كان عليه نذران كل واحد يوم أو أزيد و كذا إذا كان عليه كفارتان غير مختلفتين في

الأثار » .

اشاره کرده بودند در جایی که گفته بودند: « ويعتبر فيما عدا شهر رمضان حتى الواجب المعين أيضاً التصد إلى نوعه » یعنی در غیر ماه رمضان باید نوع روزه که مثلاً نذر است یا کفارہ است یا قضاست و... را در قصد و نیت خودش معین کند، فرمایش ایشان درست است چون تعیین ذاتی با عرضی فرق دارد، و گفتیم که در ماه رمضان اگر کسی قصد هم نکند انطباق قهری وجود دارد ، در اینجا تعیین صوم عرضی می باشد و می تواند روزه دیگری هم بگیرد و خود صاحب عروءه هم در جایی که گفته: « ولو نوى وغيره... إلى آخره » به این مطلب اشاره کرده ، ایشان در آنجا فرموده اند که اگر نذر کرده بود که مثلاً پنج شنبه را روزه بگیرد در عین حال روز پنج شنبه مثلاً صوم کفارہ را قصد کرد، در این صورت اگر غفلت از نذرش داشته باشد روزه اش صحیح است چون واجب بود که پنج شنبه را روزه نذری بگیرد ولی غفلت کرد و فراموش کرد پس امری که متعلق به نذرش بود از تنجز ساقط شد و دیگر در اینجا منجز نمی باشد فلذا اگر عن غفلة روز پنج شنبه را روزه کفارہ بگیرد اشکالی ندارد، حالا اگر عالم و عامد باشد یعنی می داند که پنج شنبه نذر کرده که روزه نذر بگیرد ولی عالمأ و عامدأ روزه کفارہ را بجا آورد صاحب عروءه در اینجا فرموده اند که:

فی صحة اشکال .

شرح ومحشین عروءه در اینجا إختلاف علی فرقتین، عده ای گفته اند که صحیح است و اشکالی ندارد مثل حضرت امام اعلی الله مقامه که فرموده اند: الأتوی هو الصحة وآیت الله خوئی که فرموده اند: والصحة أظهر و آقای میلانی که فرموده اند: والأقوی صحته ، و عده ای هم گفته اند که صحیح نمی باشد. حالا باید ببینیم که دلیل هر دو فرقه چیست، ابتدا دلیل فرقه اول یعنی کسانی که می گویند صحیح است را ذکر می کنیم، آقای خوئی در مستند العروءه جلد اول ص ۳۷ فرموده اند که صحیح است از جهت ترتب که قبلاً مطرح شد ، یعنی آن شخص روز پنج شنبه امر دارد به صوم نذری ولیکن در عین حال عالمأ و عامدأ صوم کفارہ را قصد کرده که در اینجا هم دو امر وجود دارد مثل همان امر به أداء و امر به صلوة و همچنین امر به ازاله و امر به صلوة ، در آنجا بحث پیش آمد و عده ای گفتند که وجود دو امر در عرض هم محال است مثل مرحوم آخوند در کفایة که ترتب را قبول نکرده و می گوید محال است و عده ای هم گفتند که امکان دارد و ما به وسیله ترتب مسئله را درست می کنیم و آیت الله خوئی هم چون ترتیبی است قائل به صحت صوم در اینجا شده .

پس کسانی که قائل به صحت هستند اول از جهت ترتب صحیح می

دانند و بعد ثانیاً از جهت ملاک صحیح می دانند و می گویند که هر



اگر کسی هم قضای رمضان امسال و هم قضای رمضان سال گذشته را بر ذمه دارد، لازم نیست که معین کند که مثلاً این ۱۰ روز برای امسال است یا سال گذشته چون که یک کلی در ذمه اش می باشد و آن اینکه قضای رمضان هایی که فوت شده را باید بجا بیاورد، بعد ایشان می فرمایند که همچنین اگر شخصی دو نذر دارد (نذر غیر معین) لازم نیست قصد کند که مثلاً این روزه برای نذر اول است یا برای دومی، و همچنین اگر شخصی دو کفاره بر ذمه اش باشد البته به شرطی که هر دو کفاره از یک نوع باشند مثلاً هر دو کفاره برای خوردن روزه باشند یا هر دو کفاره برای قتل خطا باشند، لازم نیست که معین کند که مثلاً این روزه برای کفاره اولی است یا برای دومی. بنابراین در این مسئله ایشان به سه مطلب اشاره کرده اند: اول صوم قضا و بعد نذر و در آخر صوم کفاره....

والحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرین

